

سیاست دونالد ترامپ و مساله هسته ای کره شمالی

علی باقری دولت آبادی احمدی درج^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۸/۲۸

چکیده

برنامه هسته‌ای کره شمالی در دو دهه اخیر به یکی از تهدیدات جدی صلح جهانی تبدیل شده است؛ به گونه ای که نه شورای امنیت سازمان ملل و نه هیچ یک از روسای جمهور آمریکا نتوانسته‌اند راه حل جامعی برای آن بیابند. توافق ژوئن ۲۰۱۸ بین آمریکا و کره شمالی درخصوص آغاز مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، یکبار دیگر جهانیان را امیدوار، و همه نگاه‌ها را معطوف به شرق آسیا ساخته است. سوال اصلی پژوهش این است که رویکرد ترامپ در قبال بحران هسته‌ای کره شمالی چیست؟ و چه اهداف و برنامه‌هایی را پیگیری می‌کند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که آمریکا خلع سلاح کامل هسته‌ای و تبدیل کره شمالی به بازیگری مورد پذیرش جامعه جهانی را دنبال می‌کند. برای این منظور سیاست افزایش فشار منطقه‌ای و جهانی بر کره شمالی و ناکارآمد نشان دادن کسب سلاح هسته‌ای برای تامین امنیت، در دستور کار ترامپ قرار داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی مقدمه افزایش فشارها بر این کشور در سایر حوزه‌های سیاسی و حقوقی برای تغییر رفتار آن در آینده است. پیونگ یانگ در صورت ادامه دادن به مذاکرات با دو وضعیت روبرو خواهد شد یا تغییر رفتار کامل و تبدیل شدن به رژیم مشابه کره جنوبی و ژاپن و یا انتظار تغییر رژیم در آینده همانند عراق و لیبی.

واژگان کلیدی: بحران هسته ای، کره شمالی، آمریکا، خلع سلاح، ترامپ

۱۴۳

سیاست جهانی

۱. دانشیار روابط بین الملل و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، ایران

نویسنده مسئول، ایمیل: abagheri@yu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

از زمان مطرح شدن مسئله هسته‌ای کره شمالی در دهه ۱۹۹۰، این موضوع همواره برای چین و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. پس از مرگ کیم ایل سونگ در سال ۱۹۹۴ بسیاری در غرب بر این باور بودند که عمر کره شمالی را باید پایان یافته تلقی کرد. آنچه که این پیش‌بینی را قوت می‌بخشید وضع تحریم‌های شدید و همه‌جانبه علیه این کشور بود که هم اقتصاد و هم بخش‌های سیاسی و نظامی را متاثر می‌ساخت. از زمان بیان این پیش‌بینی تاکنون تقریباً دو دهه می‌گذرد و کره شمالی نه تنها همچنان به بقای خود ادامه می‌دهد بلکه اولین آزمایش هسته‌ای خود را نیز در سال ۲۰۰۶ انجام داد. پیونگ یانگ در سال ۲۰۰۹ و با روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا، دست به دومین آزمایش هسته‌ای زد. اقدامی که در سال ۲۰۱۳ تکرار شد؛ تا اینکه نهایتاً این کشور را به توانایی ساخت بمب هیدروژنی در سال ۲۰۱۶ رساند. برخلاف انتظارات و تصورات جامعه بین‌الملل مبنی بر اینکه مرگ کیم جونگ ایل و روی کار آمدن فرزندش که تحصیل‌کرده غرب است، می‌تواند کره شمالی را به سمت اصلاحات و آزادی بیشتر سوق دهد، کره شمالی به رهبری کیم جونگ ایل اون رفتارهای متعارضی را نشان داده است. روی کار آمدن وی نه تنها به تخفیف تنش‌های منطقه‌ای منجر نشده بلکه حجم و دامنه این تنش‌ها را نیز گسترش بخشیده است؛ تا جائیکه به مشاجرات لفظی با ریاست جمهوری آمریکا، دونالد ترامپ، در سال ۲۰۱۷ کشیده شد و نگرانی‌هایی مبنی بر وقوع جنگ هسته‌ای در قرن بیست و یکم ایجاد کرد. بحران کره شمالی یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی است که از ابتدای روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، بیشترین انرژی را از سیاست خارجی این کشور گرفته است. شاید به جرات بتوان گفت یکی از مناطقی که آمریکا تلاش دارد تا چارچوب مشخصی را برای مدیریت آن در آینده طراحی نماید منطقه شرق آسیاست؛ و در شرق آسیا همه راه‌ها به آینده بحران هسته‌ای کره شمالی ختم می‌شود. بحران کره شمالی و توسعه فزاینده توانایی‌های موشکی و هسته‌ای این کشور به تنهایی یکی از اصلی‌ترین مسائل این منطقه به شمار می‌رود که می‌تواند به

عنوان چکیده اختلافات منطقه شرق آسیا قلمداد شود. کره شمالی در چارچوب راهبرد آمریکا در این منطقه اصلی‌ترین عامل توجیه‌کننده حضور و در درجه بعدی اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا در شرق آسیا به شمار می‌رود. واشنگتن به بهانه توسعه توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی تلاش داشته است چین و نفوذ فزاینده آن را طی سه دهه اخیر مهار کند.

اگرچه مهار و کنترل برنامه سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی اولویت اساسی سیاست خارجی آمریکا از دهه ۹۰ به بعد بوده، اما این مساله در دولت ترامپ، بیش از پیش در معرض توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، آزمایش موشک بالستیک کره شمالی در سپتامبر ۲۰۱۷ بزرگ‌ترین آزمون سیاست خارجی ترامپ بود، که تشکیل جلسه اضطراری و نشست شورای امنیت سازمان ملل را به همراه داشت. با این مقدمه سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که رویکرد ترامپ در قبال بحران هسته‌ای کره شمالی چیست؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال کره شمالی بر خلع سلاح هسته‌ای این کشور و تبدیل آن به هدفی آسان و در دسترس برای تغییر رژیم احتمالی در آینده (در بدترین حالت) و یا تغییر رفتار (در بهترین حالت) قرار دارد. پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه خلع سلاح نگارش یافته است.

۱. پیشینه پژوهش

درباره کره شمالی سه دسته آثار منتشر شده است: گروه نخست آثاری هستند که می‌کوشند اهداف مقامات کره ای را درخصوص پیگیری سیاست‌های موشکی و هسته‌ای تشریح سازند. مقاله کارلین و جرویس (۲۰۱۵) و ویت و آهن (۲۰۱۵) از جمله این آثار هستند. کارلین و جرویس در مقاله خود این بحث را مطرح می‌سازند که بعید است کره شمالی از برنامه هسته‌ای خود صرف نظر نماید. آنها حتی استدلال می‌کنند رفتارهای کره شمالی تکرار همان سنت‌های دیپلماتیک گذشته‌اش می‌باشد. لذا آینده پیش‌رو با کره شمالی دارای سلاح‌های هسته‌ای تاریک و وحشتناک است (Carlin and Jervis, 2015). ویت و آهن نیز در مقاله خود سناریوهای پیش‌روی کره شمالی در دهه آینده را ترسیم کرده‌اند. این استراتژی‌ها به شکل حداقلی، احتمالی و حداکثری توصیف شده است.

پیش‌فرض نویسندگان این است که در آینده آمریکا، کره جنوبی و ژاپن با یک کره شمالی دارای برنامه مدرن‌سازی توان نظامی و هسته ای مواجه خواهند بود (Wit and Ahn, 2015). دسته دوم مقالات منتشر شده به استراتژی نظامی هسته‌ای کره شمالی پرداخته‌اند. مقاله «دستورالعمل‌های آینده برنامه سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی: سه سناریو برای ۲۰۲۰» نوشته دی. آلبرایت (Albright, 2015)، «پیشبرد استراتژی سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی» اثر برمودز (Bermudez, 2015) در زمره این آثار هستند. این آثار تلاش می‌کنند نشان دهند برنامه هسته‌ای کره شمالی از تهدید امنیتی ناشی از حضور مستقیم آمریکا در منطقه و مخاصمه این کشور با پیونگ یانگ ناشی شده است. لذا پیونگ یانگ به دنبال بازدارندگی هسته‌ای برای مقابله با هر نوع تهدید نظامی در آینده است تا بتواند به حیات سیاسی خانواده کیم پاسخ دهد.

دسته سوم مقالاتی هستند که از زاویه سیاسی به موضوع نگریسته‌اند. این دسته از آثار برای محققان ایرانی که به نوعی پرونده هسته‌ای کشور آنها بر روی میز کاخ سفید قرار دارد همواره جذاب بوده است. (ر.ک: رستمی، ۱۳۸۶) لذا حجم قابل توجهی از مطالب روزنامه‌ها و تحلیل‌های سیاسی وب سایت‌های مختلف را به خود اختصاص داده است. با این حال نگرش آثار علمی-پژوهشی در این باره بسیار محدود و اندک بوده و به همان سبک و سیاق مقالات انگلیسی انجام شده است. به عبارت دیگر فرض تمامی مقالات این است که پیونگ یانگ بر سر برنامه هسته‌ای خود مذاکره و معامله نخواهد کرد. این برداشت باعث گردیده تا حتی جدیدترین اثر علمی منتشر شده در این باره نیز نتواند پیش‌بینی صحیحی از آینده تحولات کره شمالی داشته باشد و علی‌رغم تحلیل نویسنده، کره شمالی و آمریکا وارد مذاکره رودررو با یکدیگر شوند (رضایی و فرح‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۴). در مقالات انگلیسی نیز آنچه بیش از همه دیده می‌شود نوعی بدبینی نسبت به آینده بحران کره شمالی است. چنانکه پاتریک مک ایچرن عضو شورای روابط خارجی آمریکا در این باره می‌گوید: «تحریکات موشکی و هسته‌ای کره شمالی از برنامه رو به جلو این کشور برای دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای نشأت گرفته است... کره شمالی به احتمال زیاد به توسعه برنامه هسته‌ای خود برای ارباب و فشار بیشتر در آینده ادامه خواهد داد» (Blogger, 2018). با توجه به توضیحات فوق پرداختن به موضوع کره

شمالی موجب خواهد شد تا اولاً خلاء علمی موجود در آثار پژوهشی نسبت به تحولات اخیر بحران شبه جزیره کره برطرف شود. ثانیاً رویکرد دولت ترامپ درخصوص جدی-ترین بحران پیش‌روی این کشور در جنوب شرق آسیا تشریح گردد.

۲. چارچوب نظری

اگرچه خلع سلاح جزء نکات و پیشنهادات اصلی دیدگاه‌های لیبرالیستی در نظریه‌های روابط بین‌الملل است، اما این رویکرد هیچگاه با استقبال فراگیر دولت‌ها مواجه نشده است. زیرا آنها همواره خود را در معرض تهدیدات مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی دیده و راهکار تامین امنیت را در خودیاری و کسب سلاح استراتژیک دیده‌اند. حتی لیبرالیست‌ها نیز که به خلع سلاح به شکل گزینه آرمانی و کنترل تسلیحات به صورت گزینه ممکن علاقه نشان داده‌اند در درجه اول به این بحث پرداخته‌اند که رژیم‌های صلح‌طلب و دموکراتیک نیازی به داشتن سلاح نمی‌بینند و همه چیز را در قالب دیپلماسی حل خواهند کرد. رهبران این کشورها نمایندگان حقیقی ملت هستند پس قدرت و مشروعیت خود را از مردم می‌گیرند نه از سلاح‌های هسته‌ای. لذا کسب این سلاح‌ها عموماً از سوی دولت‌هایی صورت گرفته که دموکراتیک نیستند و اهداف صلح طلبانه را دنبال نمی‌کنند. چنین رژیم‌هایی مستحق این هستند که از راه تشویق، تهدید، ارباب، فشار و در نهایت اقدام نظامی وادار به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود شوند. اکثر متفکران نظریه لیبرالیسم معتقدند گسترش دموکراسی می‌تواند منجر به کنارگذاشته شدن برنامه هسته‌ای از سوی دولت‌های دنبال کننده شود، چون دموکراسی باعث نزدیکی کشورهای دموکراتیک به همدیگر و همچنین موجب قرار گرفتن زمام امور در دستان مردم می‌شود. مردم نیز به نوبه خود به صرف کردن هزینه‌های زیاد در اموری که به رفاه آنها کمکی نمی‌کند، علاقه‌ای ندارند (Perkovich, 1998).

در نظریه رئالیسم، برچیدن برنامه هسته‌ای موضوعیت ندارد، چون همه به دنبال قدرت‌اند و تا جایی که امکان داشته باشد به ابزارهای مختلف برای رسیدن به امنیت و تامین بقای خود متوسل می‌شوند. پس برچیدن برنامه هسته‌ای در رئالیسم بیشتر ابزاری برای خلع سلاح کردن رقیب برای افزایش قدرت خود است و نه گزینه انتخابی و مطلوب آنها. با این حال طرفداران این پارادایم فکری تلاش نموده‌اند تا ضعف‌های نظری خود را در این

زمینه بویژه در بُعد اختیاری آن برطرف کنند. در همین راستا، امین تاجما در مقاله‌ای تلاش کرده است قسمتی از این کمبود را جبران نماید. وی دو شرط لازم (نه کافی) را برای برچیدن برنامه هسته‌ای توسط دولت‌ها بیان می‌کند که عبارتند از: ۱) نبود تهدیدات وجودی علیه آنها و ۲) نداشتن توانایی تلافی یا توانایی وارد کردن ضربه دوم به طرف حمله‌کننده (Tagma and Mustafa, 2010).

طبق این دیدگاه که متأثر از تئوری رئالیسم تدافعی است، بلاروس، قزاقستان، آفریقای جنوبی و اوکراین با تهدیدات امنیتی کمی مواجه بودند و همچنین با میزان سلاح‌ها و امکاناتی که داشتند، نمی‌توانستند ضربه دوم را در صورت جنگ با قدرت بزرگ هسته‌ای به آن وارد کنند، به همین دلیل سیاست برچینش را در پیش گرفتند. از سوی دیگر، کشورهایی مثل کره شمالی، هند، پاکستان و اسرائیل چون با معمای امنیت و تهدیدات امنیتی شدیدی روبه‌رو بوده و هستند، خود را خلع هسته‌ای نکرده‌اند (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۷). طبق این منطق کره شمالی نیز تنها در دو صورت تن به خلع سلاح خود خواهد داد: نخست اینکه؛ تضمینی قطعی از سوی آمریکا برای تامین امنیت خود به دست آورد. به نحوی که منجر به خروج آمریکا از خاک کره جنوبی و تعطیلی پایگاه‌های نظامی و مانورهای دریایی و هوایی آنها شود و دیگر اینکه احساس کند داشتن برنامه هسته‌ای نمی‌تواند نهایتاً تضمین امنیتی برای بقای آن رژیم باشد و در صورت وقوع حمله در ضربه دوم ناکام خواهد ماند. برخی از تحلیل‌گران معتقدند منطق کیم جونگ اون بر پایه دوم قرار دارد. زیرا احساس می‌کند تداوم برنامه هسته‌ای این کشور با هزینه فشار بر مردم می‌تواند نظام سیاسی این کشور را تا آستانه فروپاشی داخلی پیش ببرد. پس کنار گذاشتن آن در قبال کسب امتیازاتی از آمریکا می‌تواند سودمندتر باشد (Kim, 2018).

جکسون از جمله نویسندگانی بود که در سال ۲۰۱۶ چنین پیشنهادی را به اواما درباره نحوه مواجهه با بحران کره شمالی داد. او نوشت: «آمریکا باید سعی کند به کره شمالی بقبولاند که سلاح هسته‌ای برای این کشور مفید نیست و نمی‌تواند در آینده از آن به عنوان ابزار فشار یا ابزار نظامی استفاده کند. این کار از طریق ارسال این پیام برای پیونگ یانگ محقق خواهد شد که آمریکا هرگز اجازه تهدید متحدانش توسط کره شمالی را

نخواهد داد و کره شمالی در صورت دست‌زدن به چنین اقدامی هزینه بسیار زیادی پرداخت خواهد کرد. برای این کار لازم است: ۱- همکاری‌های آمریکا با کره جنوبی و ژاپن تقویت شود. ۲- مانورهای نظامی و دریایی برگزار گردد. ۳- حضور نظامی متعارف آمریکا در کره جنوبی حفظ شود. ۴- تقویت مرکز فرماندهی نظامی آمریکا در کره جنوبی در اولویت کارها قرار گیرد» (Jackson, 2016).

در هر صورت هر کدام از منطق‌های فوق که اتخاذ شود نتیجه یکسان خواهد بود و آن کاهش جنگ‌افزارها و نزدیک شدن به صلح است (از غندی و روشندل، ۱۳۷۵: ۱۹۰). چراکه هدف اصلی خلع سلاح، برچیدن ابزارهای جنگ میان کشورهاست و خود همین ابزارها با تبدیل شدن به موضوع مسابقه تسلیحاتی منشأ اختلافات و خطرات دیگری علیه دولت‌ها می‌باشند. از نظر طرفداران خلع سلاح، سلاح عامل جنگ می‌باشد، زیرا تنش میان دولت‌ها را که از جنگ‌افروزی طرف مقابل می‌ترسد، افزایش می‌دهد. به جزء در دوران مودت و دوستی میان دولت‌ها، آن‌ها از این می‌ترسند که تسلیحات کشور رقیب علیه آن‌ها استفاده شود و نیز حتی داشتن تسلیحات، احتمال و زمینه بکارگیری آن‌ها را در مواقع بحرانی افزایش دهد (Claude, 1964: 262).

در اینکه آیا واقعاً آمریکا با انگیزه تامین صلح جهانی به پیونگ یانگ فشار می‌آورد تا برنامه هسته‌ای‌اش را تعطیل کند شک و تردیدهای بسیاری وجود دارد. زیرا مقدمه این کار پیشگام شدن خود و اشنگتن در خلع سلاح است که در رفتار این کشور چنین چیزی تاکنون مشاهده شده است. لذا این سوال پیش می‌آید که منطق آمریکا برای خلع سلاح کره شمالی چیست؟ پاسخ سوال فوق را علاوه بر نظریه واقع‌گرایی و تامین امنیت باید در دیدگاه‌های کیندل برگر جست. او معتقد است کشوری که می‌خواهد نقش ابرقدرت جهانی را ایفا کند لازم است حداقل ۹ شرط را با خود داشته باشد که یکی از مهمترین این شروط کنترل سلاح‌های هسته‌ای در جهان و محدود نگه داشتن دارندگان آن است (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۹۱). حفظ انحصار سلاح‌های هسته‌ای در جمع محدودی از بازیگران، یکی از اقداماتی که یک ابرقدرت باید انجام دهد. کشورهایی که تاکنون به باشگاه هسته‌ای پیوسته‌اند همگی برای این کار رضایت ضمنی یا صریح یک قدرت بزرگ یا ابرقدرت را با خود همراه داشته‌اند. کره شمالی تنها کشوری است که به نوعی

از داشتن این حمایت تاکنون بی بهره بوده است. عدم داشتن حمایت آمریکا از یک سو و تهدید نمودن امنیت ملی واشنگتن از سوی دیگر ضرورتی است که آمریکا را متعهد به خلع سلاح پیونگ یانگ می نماید. آمریکا از بعد از ۱۱ سپتامبر کره شمالی را در محور شرارت قرار داده و فشارها علیه این کشور را تشدید کرده است. از سال ۲۰۰۸ این کشور در لیست «وضعیت فوق العاده ملی» آمریکا قرار دارد و هر ساله تحریم‌ها علیه آن تمدید شده است. حتی توافق اخیر واشنگتن - پیونگ یانگ نیز باعث اطمینان خاطر کاخ سفید و عدم تمدید تحریم‌ها توسط ترامپ نشده است. این مسأله بیش از هر چیز به نوع نگاه آمریکا به کره شمالی باز می گردد. طبق منطق سازه‌نگاری نوع تلقی و برداشت بازیگران از یکدیگر و تصویری که از همدیگر ترسیم می کنند در شکل دادن هویت آنها و منافع ملی بسیار تاثیرگذار است. از نظر این تئوری، معمای امنیتی صرفاً به دلیل داشتن سلاح‌های هسته‌ای توسط دولت‌های دارنده به وجود نمی آید، بلکه ظهور این معما به دیدگاه دولت‌ها نسبت به یکدیگر نیز بستگی دارد. به عنوان مثال، برای آمریکا پانصد بمب هسته‌ای انگلیس کمتر از پنج بمب فرضی کره شمالی خطرناک است، زیرا انگلیسی‌ها دوست آمریکا هستند، اما کره شمالی با آمریکا دوست نیست. دوستی و دشمنی مبتنی بر فهم مشترک است (Jackson and Sorensen, 1999: 238).

پس طبق منطق فوق سیاست برچینش هسته‌ای دستور کار اصلی پیش روی دولت آمریکا در هر گونه توافق پیش رو در آینده خواهد بود و این کشور تلاش می کند تا با این کار امنیت متحدان منطقه‌ای خود را بهتر تامین نماید. بررسی سیاست خارجی ترامپ در شرق آسیا و رویکرد آن در قبال کره شمالی که در ادامه بررسی خواهد شد فهم استدلال فوق الذکر را آسان تر می سازد.

۳. سیاست خارجی ترامپ در شرق آسیا

روابط ایالات متحده و خاور دور از گذشته صحنه تقابل‌ها و همکاری‌های مشترک بوده است. حضور کشوری چون کره شمالی نیز به همگرایی دیگر کشورهای منطقه با واشنگتن کمک فراوانی کرده است. آمریکا همواره از این تهدید در منطقه استفاده کرده تا از منظر امنیتی سئول و توکیو را با خود همگام و هم صدا کند. از این رو مناسبات این منطقه که پیش از این بر پایه روابط تجاری-اقتصادی شکل گرفته بود در سال‌های اخیر

رنگ و بوی نظامی - امنیتی به خود گرفته است (بشری، ۱۳۹۶/۸/۱۳). در حال حاضر آمریکا بخش زیادی از تمرکز استراتژیک خود را بر این منطقه شرق آسیا قرار داده است. در اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما شاهد تغییر خط‌مشی سیاست خارجی این کشور از خاورمیانه به سمت شرق آسیا بودیم. دلیل اصلی این چرخش به قدرت گرفتن چین و احتمال تغییر دادن مناسبات سیاسی امنیتی در شرق آسیا نسبت داده شد. در جریان انتخابات آمریکا یکی از شعارهای اصلی ترامپ بعد از وعده پاره کردن برجام، خارج کردن نیروهای نظامی آمریکا از شرق آسیا بود، هنگامی که خروج آمریکا از برجام اتفاق افتاد بسیاری منتظر بودند ببینند ترامپ درباره وعده دوم خود چه خواهد کرد. اگرچه او دیگر صحبت زیادی از خروج نیروهای آمریکا از شرق آسیا نمی‌کند، اما با ترتیب دادن دیدار تاریخی خود با رئیس جمهور کره شمالی در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور جهان را در شگفتی تازه ای فرو برد. این شگفتی زمانی بیشتر شد که تا چند ماه قبل دو طرف همدیگر را با واژگانی تند همچون «چاقالو»، «مرد موشکی کوچک» و «سگ پیر خرفت» مورد تحقیر قرار می‌دادند و تحلیل‌گران هیچ دلیلی برای تغییر رویکرد کیم جونگ اون درباره برنامه هسته‌ای‌اش را قابل پذیرش و تصور نمی‌دانستند (Courmont, 2016:5). سرانجام دونالد ترامپ و کیم جونگ اون به جدال لفظی خود پایان دادند و آماده دیدار با یکدیگر شدند. در بیانیه چهار ماده‌ای که دو طرف بر سر آن توافق کردند آمده است:

برقراری روابط دیپلماتیک مجدد بین آمریکا و کره شمالی؛

تلاش برای برقراری صلح در شبه جزیره کره؛

تعهد طرف آمریکایی به اعتمادسازی به مردم و دولت کره و تعهد کره شمالی به فرایند خلع سلاح اتمی در منطقه شبه جزیره؛

ایجاد ساز و کار مذاکرات بین پمپئو و مقام عالی کره شمالی برای تحقق و اجرایی ساختن تعهدات متقابل که نخستین گام‌های آن تحت عنوان استرداد اسرا و مقفولین طرفین منازعه آغاز می‌گردد.

وقتی که از ترامپ درباره خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی، بارزترین موضوع نشست، سوال پرسیده شد، جواب داد: «خیلی زود شروع می‌شود». کیم جونگ اون نیز گفت: «ما گذشته را پشت سر گذاشتیم. این مقدمه خوبی برای صلح است» (Hamedy, 2018).

اگرچه این اظهارات نتوانسته بدبینی‌ها نسبت به آینده مذاکرات را کم‌رنگ کند، با این-حال کورسوی امیدی برای حل مسالمت‌آمیز مناقشه هسته‌ای کره شمالی فراهم کرده است؛ چیزی که تا قبل از آن وجود نداشت.

پس از حصول این توافق این سوال مهم مطرح گردید که آیا هدف آمریکا صرفاً محدود به کره شمالی و برنامه هسته‌ای آن است یا اینکه این بخشی از یک پازل بزرگ‌تر محسوب می‌شود؟ هرچند ژورنالیست‌ها ترجیح می‌دهند اتفاق رخ داده را نوعی مانور سیاسی جنجال‌برانگیز از سوی ترامپ برای تحت تأثیر قرار دادن فضای سیاسی داخلی آمریکا تلقی کنند، اما به نظر می‌رسد انتخاب گزینه کره شمالی برای دستور کار سیاست خارجی ترامپ بسیار هوشمندانه صورت پذیرفته است. این کار چند پیام مهم با خود به همراه داشت:

نخست اینکه؛ به دولت اوپاما و دموکرات‌ها این پیام را می‌داد که حتی سرسخت‌ترین دشمنان آمریکا این قابلیت را دارند که بر سر میز مذاکره کشانده شوند. توانی که حزب مقابل از آن بی‌بهره بوده و تنها به نظاره آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی نشسته است.

دوم اینکه؛ به متحدین منطقه‌ای آمریکا این اطمینان خاطر را می‌دهد که کلید مشکلات امنیتی آنها در منطقه، در دست آمریکا قرار دارد و نه در نزدیکی بیشتر به چین و پیوستن به اتحادیه‌های منطقه‌ای.

سوم اینکه؛ امکان رسیدن به توافق سیاسی بهتر از «برجام» در عرصه بین‌الملل وجود داشته، ولی دموکرات‌ها از آن صرف نظر کرده‌اند و یا کارآمدی لازم برای دست‌یابی به آن را نداشته‌اند. پس ترامپ می‌تواند «توافق بهتری» را حتی با ایران در آینده شکل دهد. چهارم اینکه؛ مذاکرات هسته‌ای با کره شمالی، ایران را تحت فشار بیشتری قرار خواهد داد تا تن به بازنگری در برجام دهد. زیرا این امکان وجود دارد که با دنبال شدن مسیر مذاکرات توسط پیونگ یانگ-واشنگتن، اطلاعات تازه‌ای پیرامون همکاری‌های هسته‌ای و موشکی ایران و کره شمالی منتشر شود و یکبار دیگر پرونده ایران را به خاطر آنچه فریب‌کاری و پنهان‌کاری خوانده می‌شود بر روی میز شورای امنیت سازمان ملل قرار دهد.

پنجم اینکه؛ با روند خلع سلاح کره شمالی، آمریکا نه تنها خطری جدی را از خاک خود دور کرده بلکه زمینه‌های فشار و تمرکز بیشتر بر چین در منطقه را نیز پیدا خواهد کرد. به نظر می‌رسد مذاکرات هسته‌ای با کره شمالی زمینه حضور بلندمدت و قدرتمندتر آمریکا در شرق آسیا است و پیام اصلی را برای پکن فرستاده است.

شاید ترامپ به لحاظ فعالیت سیاسی کارنامه چندان درخشانی در داخل آمریکا نداشته باشد، اما نشان داده است کارآفرین و مذاکره کننده‌ای موفق است که ترجیح می‌دهد به شیوه کاسب‌کاران اول همه چیز را در یک «خرید فله‌ای و توافق کلی» حل و آنگاه بر سر جزئیات به معامله بنشیند. او شرق آسیا را یک بسته کامل و پکیج می‌بیند که باید کل آن را یکجا خرید و بر سر آن توافق کرد و در این راه همه بازیگران ملزم هستند با واشنگتن همراه و همقدم شوند. برای ترامپ به همان میزان که مساله کره شمالی بمب خیرسازی است که او را در جلوی دوربین های جهانی قرار می‌دهد تا دیده شود؛ به همان میزان بخشی از راهبرد کلان حضور پررنگ‌تر آمریکا در شرق آسیا است. کم نیستند تحلیل‌گرانی که در خود آمریکا معتقدند آمریکا باید نگاه خود در جهان را بر ظهور چین در آسیا به عنوان یک ابرقدرت محتمل متمرکز سازد. مرشایمر یکی از این افراد است که تاکید دارد آمریکا باید دست به «موازنه از نزدیک» به جای «موازنه از راه دور» بزند (Mearsheimer and Walt, 2016: 70-83).

معنی ساده این استراتژی حضور در صحنه برای مهار چین و قرار دادن خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای آمریکاست. چین موفق گردیده ظرف چهار دهه گذشته خود را از سطح یک بازیگر منطقه‌ای به سطح یک بازیگر قدرتمند جهانی برکشد و در تمامی موضوعات مهم بین‌المللی به ویژه اقتصادی جایگاه ممتازی برای خود کسب کند تا جایی که فضای کسب و کار و تجارت در آمریکا تا حد زیادی تحت تاثیر این ظهور آرام قرار گرفته است. نکته‌ای که برای تاجری همچون ترامپ اصلاً خوشایند نیست و ترجیح می‌دهد این عدم توازن تجاری که نوعی تحقیر و سوء استفاده از فرصت و تکنولوژی آمریکایی است را پایان دهد. در دوره ترامپ جمهوری خلق چین در «سند استراتژی امنیت ملی آمریکا» ۳۳ بار، (National Security Strategy of the United States of America, 2017: 12,18,35) در «خلاصه استراتژی دفاع ملی آمریکا» ۶ بار

(summary of the 2018 National Defense Strategy..., 2018: 3-4) و همچنین در «بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا» ۴۱ بار مخاطب قرار داده شد و از آن به عنوان یک «رقیب» و «تهدید» یاد شده است. در چنین شرایطی ترامپ برای مهار چین در صدد است با تشکیل محور ایندو-پاسیفیک به مقابله با چین برخیزد. مهمترین ابزار این راهبرد، همکاری‌های نظامی با هند و ژاپن در اقیانوس هند و همکاری‌های سیاسی برای حفظ هنجارهای بین‌المللی به منظور آزادی کشتیرانی و نیز فشار سیاسی بر چین است. تحت تأثیر چنین نگرشی، ترامپ تنها به فاصله سه روز از آغاز رسمی ریاست جمهوری خود طی فرمانی دستور خروج آمریکا از معاهده ترانس پاسیفیک را داد که معتقد بود یک توافقنامه تجاری فاجعه‌بار برای آمریکا است. او به جای توافقنامه‌های چندجانبه تجاری، توافقنامه‌های دوجانبه با شرکای تجاری آمریکا در آن سوی اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در دستور کار خود قرار داده است که به گفته وی، حفظ مشاغل را در داخل آمریکا تضمین می‌کند (Golshan, 2018).

ترامپ ترجیح می‌دهد با چینی مواجه گردد که برای تجارت، خود را محتاج توافق و چانه زنی با واشنگتن ببیند و در این راه به واشنگتن باج دهد. شاید بتوان طرح موضوع تعرفه سنگین بر کالاهای چینی برای ورود به خاک آمریکا را بخشی از این راهبرد کلان ترامپ برای وادار کردن چین به دادن امتیاز بیشتر در منطقه شرق آسیا دانست. آنچه که می‌توانست تا حد زیادی کره شمالی را مجبور سازد تن به توافق با آمریکا دهد پیام‌هایی بود که از سوی همسایگانش دریافت می‌کرد. پیونگیانگ که تا پیش از این هرگونه تحریم و فشار بین‌المللی را با همراهی روسیه و چین پشت سر می‌گذاشت این بار با تحریم‌های تازه شورای امنیت تمامی درهای کشور خود به جهان بیرون را بسته یافت. دیگر سیاست «جوچه» یا خوداتکایی و خوداتکایی به توان داخلی برای مقاومت در برابر فشار خارجی، آن قدرت سابق را ندارد و پیونگیانگ نیز نمی‌تواند امیدوار به دور زدن تحریم‌ها از سوی همسایه هم مسلک خود، یعنی چین باشد. ترامپ تلاش خواهد کرد تا کمربند امنیتی را در اطراف چین همانند شوروی ۱۹۳۹ محکم نماید. یکبار دیگر استراتژی مهار در سیاست خارجی آمریکا جای خود را بازخواهد یافت. آن هم در زمانی که جورج‌کنان زنده نیست تا کارایی آن را نظاره‌گر باشد. این استراتژی در درجه

اول به بازیگران و متحدانی نیاز دارد که بازیگر اصلی یعنی آمریکا را یاری دهند. برای هند و ژاپن که بیشترین تهدید و خطر را از قدرت گرفتن منطقه‌ای چین احساس می‌کنند همراهی با این سیاست ترامپ، بهترین گزینه در دسترس است. سایر بازیگران اقتصادی جنوب شرق آسیا همچون کره جنوبی، مالزی، اندونزی، تایوان و سنگاپور نیز که شکوفایی اقتصادی خود را مدیون بازارهای سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری‌های خارجی هستند نیز تردید اندکی دارند که مقاومت در برابر آمریکا برای تحقق بخشیدن خواسته‌اش فایده‌ای داشته باشد. آنها به همان میزان که از کره شمالی دارای بمب هسته‌ای احساس خطر می‌کنند از جنگ تجاری و تحریم‌های اقتصادی آمریکا نیز واهمه دارند. بدین ترتیب درحالی که در یک طرح کلان، تهدید اصلی و بالفعل آمریکا قرار است برطرف شود؛ «تهدید بالقوه» آمریکا در عصر پیش رو نیز باید تضعیف و از میان برداشته شود. تحریک بازیگران منطقه‌ای همچون تایوان و ویتنام در برابر چین و تسلیح آنها بخشی از راهبردی است که واشنگتن امیدوار است در کنار حضور ناوگان دریایی اش در شرق آسیا موفقیت‌آمیز جلوه کند.

به طور کلی راهبرد آمریکا در شرق آسیا مبتنی بر دو اصل تقویت حضور اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک در این منطقه از یک سو و حمایت از متحدان منطقه‌ای خود در برابر چین از سوی دیگر است. در نتیجه دست گذاشتن بر اختلافات سنتی میان کشورهای منطقه به یکی از راهبردهای واشنگتن تبدیل شده است و این اختلافات در مرحله بعد به بهانه‌ای برای توجیه حضور بیشتر آمریکا تبدیل می‌شوند که نمونه آن را می‌توانیم به خوبی در حضور کشتی‌ها و زیردریایی‌های آمریکایی و پرواز هواپیماهای آن در نزدیکی جزایر مورد اختلاف چین با همسایگان این کشور و همچنین استقرار سامانه موشکی تاد به بهانه دفاع در برابر توانایی موشکی کره شمالی -ولی در واقع با هدف بازدارندگی در برابر چین - مشاهده کنیم (بیلاقی، ۱۳۹۶/۶/۲). اینکه این رویاها تا چه حد برای آمریکا دست‌یافتنی خواهد بود مشخص نیست و شاید از توان و ظرفیت پیش‌بینی علمی نیز خارج باشد اما در یک چیز شک و تردید وجود ندارد و آن اینکه آمریکا درحال بازگشت به شرق آسیا و مهار چین است.

۴. الگوی ترامپ در مذاکرات بحران هسته‌ای کره شمالی

با فروپاشی شوروی، کره شمالی تنها کشوری است که در منطقه استراتژیک شرق دور، همچنان با آمریکا در حال تعارض است و همین امر است که باعث شده ساختار امنیتی متحدان آمریکا در این منطقه متزلزل شود. آمریکا تاکنون راه های مختلفی را برای مهار کره شمالی پیموده است. کارنامه سیاسی رؤسای جمهور پیش از ترامپ شاهدهی بر این مدعا است: دولت کلینتون بعد از یک دوره سیاست فشار دیپلماتیک و تهدید نظامی گزینه دیپلماسی را روی میز گذاشت و چند سال بر سر رسیدن به یک توافق هسته ای وقت گذاشت، اما توافق حاصل شده در سال ۱۹۹۴ که بر مبنای نفت در برابر تعطیلی برنامه هسته ای بود عملاً ناکارآمد شد (Davenport, 2017). دولت بوش کره شمالی را در محور شرارت قرار داد و فشارهای منطقه ای و بین المللی را علیه پیونگ یانگ تشدید کرد. این گزینه نیز نتیجه ای بهتر از خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاح هسته ای و ساخت بمب اتمی نداشت (Makhijani and et al, 2003: 3-7).

دولت اوباما با اتخاذ سیاست «صبر استراتژیک» تحریم ها را علیه کره شمالی شدت بخشید و تلاش نمود از راه متحدین منطقه ای و بین المللی کره شمالی را به میز مذاکرات برگرداند تا شاید به گزینه ای همچون برجام دست یابد، اما ناکام ماند و با آزمایشات موشکی و هسته ای پیونگ یانگ مواجه گردید (Carlin and Lewis, 2008: 17-18).

به عبارت دیگر نه تهدید، نه تحریم و نه فشار از درون چندان موفق و کارساز نبوده است. لذا الگوی ترامپ برای حل مناقشه هسته ای کره، اگرچه بر بسترهای فراهم شده توسط دولت های پیشین استوار است اما به سیاست خارجی نیکسون در خصوص چین نزدیک است. دولت ترامپ قصد دارد فرمول پیاده شده در دیپلماسی «پینگ پونگ» که منجر به تنش زدایی در روابط با چین کمونیست شد را یکبار دیگر تکرار کند (ر.ک: کسینجر، ۱۳۹۳: ۴۴۴-۴۵۷). آنچه که این شبیه سازی را قدری واقع بینانه تر می سازد حضور خواهر ریاست جمهوری کره شمالی در بازی های زمستانی المپیک کره جنوبی در سال ۲۰۱۸ بود. رخدادی که در آن برای اولین بار پس از جنگ دو کره در سال ۱۹۵۱ یک مقام کره شمالی قدم در خاک کره جنوبی گذاشت. در الگوی فوق همه چیز بر دست یابی به یک «توافق بزرگ و کلی» استوار است. خلع سلاح هسته ای کره شمالی در برابر پایان دادن به تحریم های اقتصادی را می توان موضوع اصلی توافق دانست.

همان‌گونه که هنری کسینجر در سال ۱۹۷۱ و در زمانی که به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا در کاخ سفید خدمت می‌کرد دیدار محرمانه‌ای را با مقامات چینی ترتیب داد و زمینه برای شکل‌گیری یک «توافق بزرگ» فراهم شد در شرایط کنونی نیز مایک پمپئو نقش مشابهی را ایفا می‌کند. با این تفاوت که در دیپلماسی جدید علاوه بر نقش آفرینی ورزش، رد پای تجارت نیز دیده می‌شود. چراکه اخبار منتشر شده در رسانه‌ها گویای این نکته است که حلقه اول اتصال و ارتباط با کره شمالی توسط یک تاجر آمریکایی در سنگاپور زده شده که از طریق داماد ترامپ، جراد کوشنر، تلاش کرده است به نوعی بستر تنش‌زدایی و توسعه روابط تجاری را فراهم سازد (Mazzetti and Landler, 2018). ترامپ در عین حال که تلاش می‌کند با گشایش درهای تجارت با کره شمالی به روی صنایع آمریکا خون تازه‌ای به رگ‌های اقتصاد این کشور تزریق کند بسیار تمایل دارد خود را کلید حل مشکل بحران کره شمالی معرفی سازد. کما اینکه در مورد مناقشه – فلسطین و اسرائیل بر سر بیت‌المقدس نیز کوشید نام خود را در انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس بر سر زبان‌ها اندازد. کاری که هیچ یک از روسای جمهوری پیشین آمریکا یا نتوانسته و یا در انجام آن ملاحظاتی داشتند.

ترامپ برنامه هسته‌ای کره شمالی را یک تهدید می‌بیند کما اینکه در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا ذکر شده است «کره شمالی «تهدیدی جهانی» است که نیاز به «پاسخی جهانی» دارد (National Security Strategy of the United States of America, 2017). اما برای خلع سلاح این کشور هیچ الگویی جذاب‌تر و مطمئن‌تر از الگوی لیبی نیست. همچنانکه بوش پسر و تونی بلر در سال ۲۰۰۳ با دادن وعده‌های واهی به معمر قذافی درخصوص بهبود اقتصاد و جایگاه این کشور در جهان توانستند او را مجاب سازند تا برنامه‌های بلندپروازانه هسته‌ای‌اش را تعطیل نماید (Davis, 2009; Zoubir, 2006). ترامپ نیز امیدوار است کیم جونگ اون نیز به چنین تصمیمی برسد. تخریب تونل‌های آزمایش هسته‌ای پونگی ری، آزادی سه شهروند آمریکایی و عدم انجام آزمایشات موشکی جدید تاحدی این امیدواری را ایجاد کرده است؛ اما هنوز کافی نیست (Ripley and Schwarz, 2018).

به طور کلی می‌توان نوعی اجماع نظر بر سر سه هدفی که ا.گریدی (۲۰۱۸) برای آمریکا در قبال کره شمالی برمی‌شمرد وجود دارد و می‌توان ردپای آن را در مقالات مختلف در این باره دید. این اهداف عبارتند از:

۱- حفظ سلطه منطقه ای آمریکا با پرداخت هزینه ای معقول: یکی از دلایلی که منجر به جنگ کره در سال ۱۹۵۱ شد سوءمحاسبه کیم ایل سونگ بود. او تصور نمی‌کرد که حمله این کشور به کره جنوبی موجب واکنش آمریکا خواهد شد. علت این اشتباه به این مسأله برمی‌گشت که دولت ترومن هیچگاه به وضوح درباره اینکه شبه جزیره کره بخشی از منافع امنیتی آمریکا محسوب می‌شود اظهارنظری نکرده بود. لذا رئیس‌جمهور کره شمالی فکر می‌کرد بدون هیچ مشکلی می‌تواند به کره جنوبی حمله کند اما این اتفاق نیفتاد. از آن زمان به بعد آمریکا حضور نظامی خود را در کره جنوبی حفظ کرده و احتمالاً ترجیح واشنگتن این است که این حضور را ادامه دهد. کاستن از تعداد نیروهای آمریکایی در کره جنوبی علاوه بر اینکه می‌تواند تا حدی به احساس نگرانی چینی‌ها در منطقه پایان دهد و به یک پیشرفت دیپلماتیک بزرگ منتهی شود می‌تواند زمینه را برای حل بحران کره شمالی و نیز پرداختن به سایر موضوعات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای فراهم سازد.

۲- از بین بردن تهدیدات هسته ای کره شمالی: برای ایالات متحده پذیرش قدرت هسته‌ای جدید در جهان، قابل پذیرش نیست. مخصوصاً اینکه آن دولت تهدیدی علیه این کشور و متحدین منطقه‌ای آن باشد. لذا برچیدن برنامه هسته‌ای و خلع سلاح کره شمالی به بخشی از دستور کار آمریکا تبدیل شده است. با این حال باید گفت آمریکا برای رسیدن به این خواسته، هرگز به دنبال استفاده از گزینه نظامی نیست و گزینه‌های سیاسی و اقتصادی را روی میز خود قرار داده است.

۳- از بین بردن تهدیدات کره شمالی برای متحدان آمریکا: اگرچه امنیت ملی آمریکا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در حال حاضر نیز ممکن است هنوز خطر کره شمالی برای آمریکا چندان جدی نباشد، اما مهمتر از آن این است که آمریکا در مقام یک ابرقدرت باید بتواند امنیت متحدین خود در سراسر جهان را تضمین نماید. اگر کره شمالی دست از تهدید همسایگان خود بردارد و برنامه‌های جاه‌طلبانه موشکی و هسته-

ایش را پایان دهد ضمن برآورده شدن اهداف فوق، امکان سرمایه‌گذاری اقتصادی در این کشور برای شرکت‌های تجاری آمریکایی فراهم و اقتصاد آمریکا بازار جدیدی در جهان به دست خواهد آورد (O'Grady, 2018: 6).

تحقق این اهداف اگرچه سخت، اما شدنی است. کما اینکه تا پیش ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ هیچ یک از تحلیل‌گران داخلی در ایران و جهان تصور اینکه امکان مذاکره مستقیم بین دو طرف اصلی مناقشه یعنی آمریکا و کره شمالی وجود داشته باشد را نمی‌کردند. لذا راه-حل‌ها همگی به تغییر رژیم و بازدارندگی ختم می‌گردید. به طور مشخص هیچ یک از نویسندگان کتاب «بحران کره شمالی و پاسخ‌های منطقه‌ای» که همه در حوزه شرق آسیا سرآمد و شناخته شده هستند به امکان همکاری‌های نزدیک منطقه‌ای برای وادارسازی کره شمالی به توقف برنامه هسته‌ای خود خوشبین نبودند و در عوض پیشنهاد می‌کردند که راهکارهای زیر درپیش گرفته شود:

- انکار دسترسی به تکنولوژی و مواد اولیه برای نیازهای کره شمالی در بحث پیشبرد برنامه موشکی و هسته‌ای خود؛
- تلاش برای براندازی رژیم از طریق تحلیل بردن حمایت‌ها و منابع رژیم؛
- ترغیب چین به توقف حمایتش از رژیم کره شمالی؛
- افزایش همکاری‌های اقتصادی خارجی با حزب کمونیست کره شمالی برای تقویت روند کنارگذاری رفتارهای غیرقانونی خود و احساس ارزشمند بودن تجارت و تعامل با جهان؛
- پیشنهاد پیمان صلح و عدم تجاوز از سوی آمریکا و کره جنوبی به کره شمالی در ازاء خلع سلاح هسته‌ای این کشور؛
- اعتمادسازی در روابط بین دو کره با ترویج اشکال نسبتاً آسان همکاری نظیر گردشگری و ارتباط خانواده‌ها در دو سوی مرز؛
- و شروع مذاکرات پنج‌جانبه بدون حضور کره شمالی برای ارسال پیام توافق بین قدرت‌های بزرگ بر سر رویکرد منزوی‌سازی پیونگ یانگ به این کشور (Vyas and Et al, 2015: 160-164).

۵. پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت ترامپ در بحران کره شمالی

همانگونه که اشاره شد برنامه طراحی شده ترامپ برای کره شمالی آنقدر بلندپروازانه هست که خیلی از تحلیل‌گران امید چندانی به آن نیندند اما این مساله باعث نمی‌شود که امیدها به طور کامل از دست برود. به همین خاطر بخش عمده‌ای از تحلیل‌های جهانی به سمت گام‌هایی که ترامپ باید بردارد سوق پیدا کرده است. این گام‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- سیاست افزایش فشار: در این سیاست همه چیز بر افزایش فشار بر کره شمالی در آینده متمرکز می‌شود. جونگ پاک در این باره می‌نویسد: «ما باید سیاست افزایش فشار و تعامل را بازبینی کنیم. با تکیه بر حفظ ارتباطات کنونی با پیونگ یانگ برای مذاکره، می‌توان فضایی برای دیپلماسی ایجاد کرد. همچنین اهرم‌های سیاست خارجی آمریکا علیه کره شمالی و چین، از راه تلاش‌های جمعی و همکاری کره جنوبی و ژاپن قابلیت تقویت شدن را دارد. یک استراتژی موفق علیه کره شمالی نیازمند اتحاد علیه این کشور است. برای این منظور ما باید وحدت عمل جامعه بین‌المللی علیه کره شمالی و منزوی-سازی آن را به نمایش گذاریم. تهدیدات ناشی از برنامه هسته‌ای کره شمالی به حداقل ممکن باید کاهش پیدا کند. در این راه باید نشان داده شود که واشنگتن اجازه نخواهد داد دیپلماسی قهری پیونگ یانگ موفق شود. علاوه بر موارد ذکر شده، فشار بر رژیم کره شمالی باید افزایش پیدا کند» (Pack, 2018: 15-16). مقصود از این افزایش فشار، وادارسازی کره شمالی به انجام اقدامات اعتمادساز بیشتر و تن دادن به خواسته‌های حداکثری آمریکاست و نه تهدید نظامی یا طرح مجدد موضوع هسته‌ای در دستور کار شورای امنیت. زیرا چنین کاری می‌تواند کره شمالی را از مسیر اتخاذ شده منصرف نماید. ژانگ ونگ زونگ رئیس گروه علوم سیاسی موسسه چینی روابط بین‌الملل معاصر با خطرناک توصیف کردن سیاست افزایش فشار بر کره شمالی در این باره می‌گوید: «فشار بیشتر بر پیونگ یانگ حس عدم امنیت را در کره شمالی بیشتر می‌سازد و آنها را وادار می‌کند تا در مسیر ساخت سلاح‌های هسته‌ای گام بردارند» (Wenzong, 2017, cited by Swaine, 2017:7). پس نباید این افزایش فشار از حد خاصی فراتر رود.

۲- پیشگیری از حوادث ناخواسته و تحریک آمیز: برخی دیگر از کارشناسان معتقدند موفقیت دیپلماسی ایالات متحده در برابر کره شمالی پیش از هر چیز به این مساله

بستگی دارد که اجازه ندهد هیچ چیزی راه مذاکرات را مسدود سازد. برای این کار ایالات متحده باید جلوی آغاز یک جنگ محدود توسط کره شمالی علیه ژاپن یا کره جنوبی را بگیرد. زیرا وقوع چنین جنگی می‌تواند بحران را پیچیده‌تر ساخته و واکنش‌های نظامی متقابل را به همراه آورد. نتیجه این وضعیت باج دادن به کره شمالی برای توقف حملاتش و یا دست زدن به جنگ خطرناک هسته‌ای است (Jackson, 2016). همچنین هرگونه اقدام تحریک‌آمیز از سوی بازیگران منطقه‌ای و یا خود آمریکا می‌تواند تمامی مهره‌های چیده شده بر صفحه شطرنج را به هم زند. دقیقاً به همین دلیل نیز بود که با وجود اینکه ترامپ تحریم‌های کره شمالی را تمدید کرد، اما همزمان اعلام نمود تمامی رزمایش‌های برنامه‌ریزی شده با کره جنوبی را لغو می‌کند. بدین ترتیب هم بخشی از خواسته‌های کره شمالی را برآورده کرد و هم جلوی شدت گرفتن بحران در منطقه را گرفت.

۳- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای: آمریکا مجموعه‌ای از متحدان در شرق آسیا دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند آنها را از معادلات خود با کره شمالی بیرون نگه دارد. شرط موفقیت‌آمیز بودن مذاکرات تا حد زیادی به این مساله بستگی دارد که همه اقدامات زیر نظر آمریکا و با همکاری این کشور انجام شود. شاید به همین دلیل نیز بود که واشنگتن بازی‌های المپیک کره جنوبی و حضور خواهر رئیس‌جمهور کره شمالی در خاک کره جنوبی را از نزدیک زیر نظر داشت و حتی وقتی رهبران دو کره در مرز مشترک دیدار کردند این دیدارها با اعلام مواضع کاخ سفید درباره آن همراه شد. در هر صورت همان‌گونه که جان واردن نیز توضیح می‌دهد برای موفقیت در مذاکرات «ترامپ باید همکاری‌های میان واشنگتن، توکیو و سئول را تقویت نماید» (Warden, 2017: 40-46).

۴- خارج نکردن گزینه نظامی و تحریم‌ها از دستور کار: اگرچه قرار نیست ترامپ در آینده دست به تهدید اتمی کره شمالی مشابه آنچه که قبلاً اتفاق افتاد بزند، اما این مساله به معنای خارج شدن گزینه نظامی از میان گزینه‌های آمریکا نیست. تصمیم‌گیران کاخ سفید تلاش می‌کنند سیاست هویج و چماق را همزمان با هم پیش ببرند. لذا در نوعی تقسیم‌کار داخلی، درحالی که دولت آمریکا خود را مدافع مذاکره و دیپلماسی معرفی می‌کند کنگره تلاش می‌نماید تا سایر گزینه‌های پیش‌رو را نیز بررسی نماید. این گزینه‌ها

طیف مختلفی از موارد از خروج نیروهای نظامی آمریکا از کره جنوبی گرفته تا حفظ وضع موجود، تقویت مهار و بازدارندگی، جلوگیری از دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته، دانش و منابع مالی برای ارتقای توان دفاع موشکی و هسته‌ای کره شمالی تا تغییر رژیم این کشور را شامل می‌شود (McInnis and Et al, 2017: 1-66).

۶. دشواری‌های پیش‌روی طرفین

نخستین مسأله این است که دیپلماسی فرایندی زمان بر و طولانی است و نیازمند صبوری طرفین مذاکره است. همچنانکه فرایند مذاکرات هسته‌ای ایران از زمان شروع تا رسیدن به برجام حدود دو سال طول کشید این فرایند نیز ممکن است برای کره شمالی تکرار شود. از همه مهمتر اینکه در این فاصله امکان وقوع حوادث مختلف در دو کشور و در منطقه نیز وجود دارد. حوادثی که ممکن است مذاکرات و فرایند آن را تحت تاثیر قرار دهد. اما از همه سخت‌تر خواسته‌هایی است که دو طرف از یکدیگر دارند. در یک سوی ماجرا ترامپ قرار دارد که می‌بایست به قراردادی بهتر از برجام دست یابد. زیرا وی پیوسته دولت اوباما را شمتات کرده است که توافق بدی را امضا کرده و راه دست‌یابی ایران به بمب هسته‌ای را بازگذاشته است! (Trump, 2018). لذا هر توافقی با کره شمالی بدون دست‌یابی به خلع سلاح کامل هسته‌ای همان انتقادات را متوجه او خواهد کرد. در طرف دیگر ماجرا کیم جونگ اون قرار دارد که صرفاً به پایان یافتن تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه کشورش نمی‌اندیشد. بلکه به دنبال تضمین‌های امنیتی است که شامل عادی‌سازی روابط آمریکا و کره شمالی، انعقاد پیمان صلح، پایان یافتن چتر امنیت آمریکا بر فراز شرق آسیا و پایان یافتن اتحاد آمریکا و کره جنوبی است. مسأله دوم اینکه مذاکرات خلع سلاح کره شمالی صرفاً به توافق پیونگ یانگ و واشنگتن محدود نخواهد شد. برای اثربخش بودن مذاکرات لازم است بازیگران دیگری نیز در این توافق شریک گردند. در رأس همه این بازیگران کره جنوبی و ژاپن قرار دارند. درخصوص بازیگر نخست باید گفت دو کره بعد از یک دوره خصومت طولانی نیاز به انعقاد پیمان صلح دارند. اینکه عنوان این توافق معاهده گذاشته شود یا اعلامیه چندان مهم نیست. مهم این است که نگرانی‌های امنیتی کره جنوبی درباره همسایه شمالی و خطرات نظامی‌اش پایان پیدا کند و دو طرف بتوانند بر سر موضوعات چالش‌برانگیز بین خود به توافق برسند.

موضوعات سرزمینی بویژه منطقه صلح دریایی در دریای زرد جزء مواردی است که ممکن است توافق بر سر آن سخت و دشوار باشد. همچنین این نکته که فرایند اعتمادسازی چگونه شکل خواهد گرفت؟ جزء سوالاتی است که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. اینکه آیا کره شمالی به تدریج برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را کنار خواهد گذاشت یا همانند لیبی به یکباره آن را تعطیل خواهد کرد؟ همه این موارد می‌تواند بر آینده صلح و هر توافقی در منطقه تاثیرگذار باشد.

همچنین توجه به خواسته‌های ژاپن در هرگونه توافق احتمالی با کره شمالی امری مهم و ضروری است. در حال حاضر نگرانی‌های جدی در توکیو نسبت به آزمایشات هسته-ای و موشکی کره شمالی وجود دارد. انتظار ژاپن این است که آمریکا در قالب پیمان امنیتی خود با این کشور تدابیر جدی برای پایان دادن به این تهدیدات بیابد. لذا خیلی مهم نیست که در حال حاضر ترامپ توانسته است کره شمالی را معجب به گفتگو ساخته و به توافقی کلی دست یابد، زیرا شیطان همیشه در جزئیات کمین کرده و همین جزئیات است که می‌تواند آینده توافق را تیره و تار سازد.

مساله سوم، تاثیرگذاری بازیگران ثالث بر توافق حاصل شده است. در حال حاضر دو بازیگر بسیار تاثیرگذار یعنی روسیه و چین نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند اما مشخص نیست این همراهی تا کی ادامه خواهد داشت؟ اهمیت این مساله زمانی مشخص می‌گردد که به گذشته بازگردیم و یکبار دیگر حوادث پیش از توافق ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ را مرور نماییم. ترامپ در مبارزات انتخاباتی‌اش وعده داده بود که بحران کره شمالی را با اعمال فشار بر چین حل خواهد نمود. او در یکی از توییت‌هایش نوشت: «کره شمالی به دنبال در دسر می‌گردد. اگر چین تصمیم به همکاری در این زمینه بگیرد، عالی است، اما اگر نخواهد، ما بدون آن‌ها مشکل را حل می‌کنیم». اما با گذر زمان شرایط قدری تغییر کرد و او امیدواری خود برای همکاری چینی‌ها را از دست داد. وی حتی بعد از انجام آزمایش موشکی کره شمالی در روز تاریخی استقلال آمریکا (۴ ژوئیه ۲۰۱۷) در توییتی نوشت: «از چین بسیار ناامید هستم. آنها هیچ‌کاری برای ما در مورد کره شمالی انجام نمی‌دهند. فقط حرف می‌زنند. دیگر اجازه نمی‌دهیم این وضعیت ادامه یابد. چین به راحتی می‌تواند این مساله را حل کند» (Trump, 2017). دولت آمریکا

معتقد است دولت چین که بیشترین مرزهای زمینی با کره شمالی را دارد، می‌تواند عامل کنترل‌کننده پیونگ یانگ برای پایان بحران در منطقه باشد. چین همواره فشار خود بر کره شمالی را در ابعاد محدودی نگه داشته است و هر چند می‌تواند فشار بیشتری به پیونگ یانگ وارد کند، اما از وارد کردن فشار بیشتر به این کشور خودداری کرده است (Swaine, 2017: 6). با وجود بدبینی ترامپ به چین اما واقعیت این است که از سال ۲۰۱۶ به این طرف پکن همراه و هم‌راستا با دیگر کشورهای عضو شورای امنیت فشارهای خود بر کره شمالی را تشدید کرده است. حتی در ژانویه سال ۲۰۱۶ به علت افزایش فعالیت‌های هسته‌ای پیونگ یانگ، روابط دو کشور تیره گردید و در ادامه واردات زغال سنگ و سنگ آهن از کره شمالی و صادرات نفت به این کشور در سال ۲۰۱۷ متوقف شد (South China Morning Post, 2017). درحقیقت چین ضمن ناخشنود بودن از آزمایش‌های موشکی کره شمالی، حضور نظامی آمریکا در منطقه و استقرار موشک‌های تاد این کشور در کره جنوبی را نیز نمی‌تواند تحمل کند.

بطور کلی دیدگاه چین درخصوص بحران اتمی پیونگ یانگ استمرار صلح و ثبات در شبه جزیره کره، منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، عدم تغییر دولت پیونگ یانگ و تغییر نکردن جغرافیای شبه جزیره کره است. چین برای دستیابی به این اهداف باید کره شمالی را به عنوان یک سرمایه استراتژیک حفظ کند؛ زیرا این کشور به عنوان یک منطقه جغرافیایی حایل با کره جنوبی -یکی از متحدان آمریکا- نقش مهمی را در ژئوپولیتیک پیرامون چین بازی می‌کند. اما پیونگ یانگ در مسیر هسته‌ای شدن کامل قرار گرفته و چین نمی‌تواند نسبت به این مسأله بی‌توجه باشد. ساخت سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دور برد از سوی کره شمالی برای آمریکا و متحدانش در شرق آسیا قابل پذیرش نیست و آنها چین را در به وجود آمدن این وضعیت بی‌تقصیر نمی‌دانند. به همین دلیل است که چین تلاش کرده دیپلماسی خود را بر دو محور متمرکز سازد: نخست اینکه سعی کند بحران کره شمالی از راه دیپلماسی حل و فصل شود و گزینه نظامی از دستور کار آمریکا خارج شود. دوم اینکه با قدرتهای بین‌المللی بر سر حل بحران جاری نهایت همراهی و همکاری را داشته باشد. اما ادامه پیدا کردن این دیپلماسی به رفتارهای آمریکا در منطقه و روابط سیاسی پکن-واشنگتن بستگی دارد. اگر جنگ تجاری آمریکا

علیه چین وارد دور تازه‌ای گردد و یا واشنگتن تلاش کند به مخاصمات فی مابین دامن زند آنگاه انتظار دیپلماسی مخفی از سوی چین و یا دست‌زدن به تلاش‌های پنهانی برای به شکست کشاندن مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای کره شمالی چندان دور از انتظار نخواهد بود.

در سوی دیگر میز مذاکره، روسیه فرار دارد. مسکو با متهم کردن کره جنوبی، ژاپن و آمریکا به اقدامات و تمرینات نظامی و تحریک پیونگ‌یانگ، بر این باور است تا زمانی که کره شمالی احساس امنیت نکند برنامه هسته‌ای خود را رها نخواهد کرد. بر اساس این دیدگاه، روس‌ها علت بحران در شبه جزیره کره را پیونگ‌یانگ نمی‌دانند، بلکه معتقدند فعالیت‌های این کشور صرفاً واکنشی در قبال تهدیدات ایالات متحده است، چرا که کره شمالی خود را در حلقه دشمنانش در محاصره می‌بیند و این دلیلی موجه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و فناوری موشکی است (تقوایی‌نیا، ۱۳۹۶/۷/۵). به نظر می‌رسد مسکو از توافق حاصل شده در ماه ژوئن که بدون نقش‌آفرینی مستقیم این کشور و از راه نرمش نشان دادن پیونگ‌یانگ و پکن بوده چندان خوشنود و راضی نیست. پیشنهاد تعلیق موقت برنامه‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی و سفر وزیر امور خارجه این کشور به کره شمالی بعد از دیدار تاریخی رئیس‌جمهور کره شمالی با ترامپ تا حدی به این موضوع باز می‌گردد. لذا این احتمال وجود دارد که در صورت عدم حصول جلب رضایت مسکو در برقراری موازنه قدرت منطقه‌ای در شرق آسیا یا خاورمیانه، مسکو از ابزارهای خود در سازمان ملل و بیرون از آن برای به شکست کشاندن تلاش‌های واشنگتن بهره‌برداری کند. مساله چهارم صداقت طرفین مذاکره است. در یکسو سنت خانوادگی کیم جونگ اون قرار دارد که نشان می‌دهد آنها همواره از برنامه هسته‌ای به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در مذاکرات بهره‌جسته و هر بار پس از رهایی نسبی از مشکلات اقتصادی به توافق حاصل شده پایبند نبوده‌اند. در سوی دیگر دولت ترامپ قرار دارد که نشان داده به توافق‌های امضا شده دولت پیشین آمریکا درخصوص کنواسیون آب و هوایی پاریس و برجام پایبند نیست و از هر دو آنها خارج شده است. حتی تجربه دولت‌های پیش از وی نیز در این راستا چندان امیدوارکننده نیست. معمر قذافی دقیقاً بعد از آنکه از برنامه هسته‌ای خود انصراف داد مورد حمله نیروهای ناتو

قرار گرفت و سقوط کرد (Baker, 2018). نه همکاری‌های نفتی وی با شرکت هالیبرتون متعلق به جمهوری خواهان توانست وی را از سقوط نجات بخشد و نه تضمین‌های بوش و تونی بلر. امضای توافق خلع سلاح با چین دولتی برای دولت کره شمالی به منزله نوعی خودکشی است. لذا همه چیز به تصمیم کره شمالی در آینده بستگی دارد. اینکه آیا حاضر است برای خشنودی طرف مقابل دست به اقدامات اعتمادساز بزند و پابندی به فضای مذاکرات و صلح داشته باشد یا خیر؟ (Yamaguchi, 2018). با توجه به خودکشی تلقی‌شدن رهاسازی بازدارندگی هسته‌ای از سوی کره شمالی کارشناسان معتقدند احتمال ضعیفی وجود دارد که چین چیزی اتفاق بیفتد و خلع سلاح کامل هسته‌ای کره نیاز به «رویکردی پیچیده‌تر و نفوذکننده‌تر» از آنچه اکنون توسط ترامپ دنبال می‌شود، دارد (Dalton and Levite, 2018)، رویکردی که مبتنی بر تضمین‌های امنیتی آمریکا به کره شمالی و پاداش‌های قابل توجه و دائمی اقتصادی و سیاسی باشد.

این کار گام به گام باید انجام پذیرد. پژوهشگران موسسه دیل کارنگی در پژوهشی این گام‌ها را اینگونه تشریح می‌سازند: در گام نخست مذاکرات فنی درخصوص برنامه موشکی و هسته‌ای کره شمالی باید انجام شود تا مشخص گردد چگونه برنامه‌های فوق-الذکر محدود و محدودتر شود. در طی انجام این مرحله دو طرف باید متعهد گردند تا از دست‌زدن به یک سری اقدامات تحریک‌آمیز از جمله برگزاری مانور نظامی، پرواز هواپیماهای بی-۵۲، آزمایش موشکی و... چشم‌پوشی کنند. برای تضمین انجام صحیح مرحله اول نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از یکسو و تداوم تحریم‌ها از سوی دیگر مفید و سازنده خواهد بود.

گام دوم می‌تواند از طریق اتخاذ یک برنامه جامع و قابل اطمینان برای برنامه‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی برداشته شود. هدف این مرحله این است که وضعیت حاصل شده را با جلوگیری از توسعه بیشتر یا تقویت زرادخانه هسته‌ای کره شمالی تثبیت کرد. برای این کار در کنار اقدامات دیگر، نیاز به منجمدسازی کلیه برنامه‌های ساخت و پرتاب موشک است. کره شمالی باید اطلاعات جامعی از فعالیت‌ها و ذخایر خود ارائه دهد و در نهایت آنها را به نظارت و تایید آژانس برساند. وظیفه نظارت و بررسی مواد شکافت-پذیر می‌تواند توسط آژانس انجام شود، این در حالی است که ایالات متحده، چین، و

شاید روسیه بتواند فعالیت‌های مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای و سایر فعالیت‌ها را بررسی کند. نظارت بر دانشمندان هسته‌ای و موشکی کره شمالی در این مرحله یک جزء ضروری محسوب می‌شود.

اگر مراحل پیشین به شکلی قابل اطمینان و جامع طی شود پیش نیازهای لازم برای برچیدن زرادخانه هسته‌ای کره شمالی فراهم خواهد شد. آنگاه گام سوم مذاکرات می‌تواند آغاز گردد. مذاکراتی که درخصوص از بین بردن نیروگاه‌های هسته‌ای و تمامی مواد مرتبط با آن است. در این مرحله کره شمالی نه تنها باید از برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند، بلکه باید در قوانین داخلی‌اش نیز تغییراتی ایجاد کند و به سمت قوانین و سیاست‌هایی گام بردارد که داشتن سلاح هسته‌ای ممنوع شود.

همچنین در گام سوم ضرورت دارد که برنامه سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک کره شمالی و توان نظامی متعارف این کشور نیز برچیده شود. این کار به موازات برچیده شدن برنامه هسته‌ای پیونگ یانگ باید انجام شود و تمامی مراحل اظهار، بازرسی، تایید و ... باید به دقت صورت پذیرد (Dalton, Levite and Perkovich, 2018). به عقیده نویسندگان موارد فوق تنها چیزهایی را شامل می‌گردد که یک طرف یعنی آمریکا به دنبال آن است حال آنکه این توافق طرف دیگری نیز دارد. پس موارد امنیتی، سیاسی و اقتصادی دیگری نیز وجود دارند که همزمان باید مورد مذاکره قرار گیرند. همکاری‌های علمی و فنی با کره شمالی در حوزه‌های غیرنظامی و اختصاص بودجه برای پروژه‌های غیرنظامی بخشی از کارهای دیگری است که باید برای تشویق کره به ادامه مسیر انجام شود.

نتیجه‌گیری

اگرچه توافق حاصل شده بین پیونگ‌یانگ و واشنگتن درخصوص خلع سلاح کره شمالی در ازای کمک‌های اقتصادی و برطرف شدن نگرانی‌های امنیتی آن، امیدواری‌ها نسبت به صلح منطقه‌ای و جهانی را تقویت کرده است اما به نظر می‌رسد تحقق کامل این هدف نیازمند زمان طولانی و همراهی و مشارکت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. هنوز فضای بی‌اعتمادی بین دو طرف به طور کامل برطرف نشده و نگرانی‌هایی در هر دو سو نسبت به انگیزه‌ها، اهداف و آینده پیش رو وجود دارد. از یک‌سو در

واشنگتن تردیدهای جدی وجود دارد که ممکن است کیم جونگ اون همانند اسلاف خود یکبار دیگر مذاکرات هسته‌ای را بهانه کرده باشد تا بتواند به بخشی از اهداف اقتصادی خود از راه چانه‌زنی هسته‌ای دست یابد و از فشار تحریم‌ها خلاصی یابد و از سوی دیگر کیم جونگ اون سرنوشت صدام و قذافی به عنوان تن‌دهندگان به خلع سلاح را در پیش‌روی خود می‌بیند که آینده‌ای بهتر از سرنگونی از قدرت و از دست دادن جان خود پیدا نکردند. حتی برای پیونگ یانگ توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ می‌توان یک درس عبرت و موجب نگرانی باشد تا پس از تن‌دادن به تمامی خواسته‌های آمریکا، نهایتاً با خلف وعده آمریکا مواجه شود. حتی این نگرانی وجود دارد که ممکن است دولت آتی آمریکا نیز همانند ترامپ خود را به تعهدات دولت قبلی پایبند نداند و برای مذاکرات مجدد دستورکارهای تازه‌ای پیشنهاد دهد. در هر صورت اگرچه در انگیزه و نیت کره شمالی برای تن‌دادن به مذاکرات تردید جدی وجود دارد، اما درخصوص انگیزه‌های دولت آمریکا و شخص ترامپ کمتر تردید وجود دارد. به نظر نمی‌رسد که دولت آمریکا، چه با ترامپ و چه بدون آن، به چیزی جز خلع سلاح کامل هسته‌ای، تغییر نظام سیاسی و پایبندی کره شمالی به معاهدات حقوق بشری و حقوق بین‌الملل تن دهد. هر توافقی نیز که حاصل شود بخشی از یک پازل بزرگ‌تر خواهد بود که دور مذاکرات جدید بر سر موضوعات بعدی را رقم خواهد زد. این فرایند تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که یا رفتار کره شمالی ماهیتاً تغییر کند و با کره جدیدی شبیه به کره جنوبی روبرو گردیم و یا اینکه بر سر یک موضوع اختلافات مجدد شروع گردد و دور تازه‌ای از تحریم‌ها و فشارها برای تغییر رژیم آغاز شود.

منابع

- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل. ۱۳۷۵. **مسائل نظامی استراتژی معاصر**. تهران، انتشارات: سمت.
 رستمی، علی‌اکبر. ۱۳۸۶. «پرونده هسته‌ای کره شمالی و تأثیر آن بر پرونده هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۵۴.
 رضایی، مسعود و ماریا فرحزاده. ۱۳۹۶. «معضل عدم‌قطعیت در تحلیل بحران کره شمالی و آمریکا»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۳۱، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۰۱

سلطانی‌نژاد، احمد، مصطفی زهرانی و مهدی شاپوری. ۱۳۹۲. «آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران؛ استراتژی برچینش و ابزارهای آن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال شانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۰۷-۱۴۷.

عسگرخانی، ابومحمد. ۱۳۸۳. رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
کسینجر، هنری. ۱۳۹۳. **دیپلماسی**، ترجمه فاطمه سلطانی‌یکتا و رضا امینی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: اطلاعات

Albright, David .2015. "Future Directions in the DPRK's Nuclear Weapons Program", **US-Korea Institute at SAIS**, available at:<https://38north.org/wp-content/.../NKNF-Future-Directions-2020-Albright-0215.pdf>

Baker, Peter. 2018. "Libya as a Model for Disarmament? North Korea May See It Very Differently". **The New York Times**, 29 April 2018, Available at: <https://www.nytimes.com/2018/04/29/us/politics/bolton-libya-north-korea-trump.html>

Bermudez JR, Joseph. S. 2015. "North Korea's Development of a Nuclear Weapons Strategy", **US-Korea Institute at SAIS**, pp. 1-14, Available at: https://www.38north.org/wp-content/uploads/2015/08/NKNF_Nuclear-Weapons-Strategy_Bermudez.pdf

Blogger, Guest. 2018. "The Future of North Korean Provocation", **Council on Foreign Relations**, 5 March 2018, Available at: <https://www.cfr.org/blog/future-north-korean-provocations>

Carlin, R. and R. Jervis. 2015. "Nuclear North Korea: How Will It Behave?" North Korea's Nuclear Futures Series, **US-Korea Institute at SAIS**. Available at: <http://38north.org/wpcontent/uploads/2015/10/CarlinJervisfinal.pdf>

Carlin, Robert and John W. Lewis. 2008. Negotiating with North Korea: 1992–2007, **Center for International Security and Cooperation Freeman Spogli Institute for International Studies**, Stanford University, January 2008.

CIClaude, Ines. 1964. **Swords in to plowshares: The Problems and Progress of International Organization**, New York: Random House.

Courmont, Barthélémy. 2016. "Trumps Foreign Policy: Implications for Europe and East Asia", **ASIA Focus**, Institute De Relations Internationales Et Strategiques, November 2016, www.iris-france.org

Dalton, Toby and Ariel Levite. 2018. "When Trump Meets Kim Jong Un: A Realistic Option for Negotiating with North Korea", **Foreign Affairs**, 26 March 2018, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-korea/2018-03-26/when-trump-meets-kim-jong-un>

Dalton, Toby, Levite, Ariel and George Perkovich. 2018. "Key Issues for U.S.–North Korea Negotiations", **Carnegie Endowment for International Peace**, 4 June 2018, Available at:

- <https://carnegieendowment.org/2018/06/04/key-issues-for-u.s.-north-korea-negotiations-pub-76485>
- Davenport, Kelsey. 2017. "The U.S.-North Korean Agreed Framework at a Glance", **Arms control Organization**, 13 August 2017, available at: <https://www.armscontrol.org/print/2598>
- Davis, Paul. 2009. "Give up the Bomb: Motivations and Incentives". Paper prepared for the International Commission on Nuclear Non-Proliferation and Disarmament by the Nuclear Energy Futures Project, **Centre for International Governance Innovation**, Waterloo and the Canadian Centre for Treaty Compliance, Carleton University, Ottawa, Canada. Available at: https://carleton.ca/npsia/wp-content/uploads/davis_bomb.pdf
- Elman, C. & Elman, M. F. 2003. Lessons from Lakatos in Elman, Colin & Miriam Fendius Elman, (eds). **Progress in International Relations Theory**, Harvard University Press.
- Emin Tagma, Halit Mustafa. 2010. "Realism at the Limits: Post-Cold War Realism and Nuclear Rollback", **Contemporary Security Policy**, Vol.31, No.1, PP.165-188, Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13523261003665618>
- Golshan, Tara. 2018. "Trump is calling backside on exiting the Trans-Pacific Partnership trade deal", **Vox Sentences**, 12 April 2018, available at: <https://www.vox.com/policy-and-politics/2018/4/12/17230058/trump-trans-pacific-partnership-trade-deal-renegotiate>
- Hamedy, Saba. 2018. President Trump Showed Kim Jong Un this Hollywood-Style video to pitch him on peace", **CNN Agency**, 12 Jun 2018, available at: <https://edition.cnn.com/2018/06/12/politics/white-house-singapore-summit-video/index.html>
- Jackson, Robert and George Sorensen. 1999. **Introduction to International Relations**, Oxford: University Press.
- Jackson, Van. 2016. "Preventive Nuclear War with North Korea: What to Do After the Test", **Foreign Affairs**, 11 September 2016, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/.../north-korea/...09.../preventing-nuclear-war-north-korea>.
- Kim, Sam. 2018. "Kim Shifts Gear to Economy as North Korea Ditches Nuclear Tests", **Bloomberg**, 21 April 2018, available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-04-21/kim-shifts-gear-to-economy-as-north-korea-ditches-nuclear-tests>
- Makhijani, Arjun, Nicole Deller and John Burroughs. 2003. Compliance Assessment of North Korean and U.S. Obligations Under the Non-Proliferation Treaty and 1994 Agreed Framework, **Institute for Energy and Environmental Research**, January 24, available at: <https://ieer.org> > Disarmament and Nonproliferation
- Mazzetti, Mark and Mark Landler. 2018. "North Korea's Overture to Jared Kushner". **The New York Times**, 17 June 2018, Available at: <https://www.nytimes.com/2018/06/17/us/politics/north-korea-back-channel-kushner-gabriel-schulze.html>

- McInnis, Kathleen J. and Et al. 2017. "The North Korean Nuclear Challenge: Military Options and Issues for Congress ", **Congressional Research Service**, available at: <https://fas.org/sgp/crs/nuke/R44994.pdf>
- Mearsheimer, John.J and Stephen M. Walt. 2016. "The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S Grand Strategy", **Foreign Affairs**, July/August 2016 Issue, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016.../case-offshore-balancing>
- National Security Strategy of the United States of America. 2017. **Seal of the President of the United States**, December 2017, pp1-68.
- National Security Strategy of the United States of America. 2017. **The white House Government**, pp. 45-47. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
- O'Grady, Bill. 2018. "The North Korean Summit: Part I ", **Advisor Perspectives**, 21 March 2018, Available at: <https://www.advisorperspectives.com /commentaries/2018/03/21/the-north-korean-summit-part-i>
- Pack, Jung H. 2018. "Regime Insecurity or Regime Resilience? North Korea's Grand Strategy in the Context of Nuclear and Missile Development", *The Brookings Institution* , 2 February 2018, Available at: <https://www.brookings.edu/.../regime-insecurity-or-regime-resilience-north-koreas-gra>
- Perkovich, George. 1998. "Nuclear Proliferation", **Foreign Policy**, No. 112, PP. 12-23, Available at: <https://www.jstor.org/stable/1149032>
- Ripley, Will and Tim Schwarz. 2018. " North Korea blows up tunnels at Punggye-ri nuclear test site", **CNN Agency**, 25 May 2018, Available at: <https://edition.cnn.com/2018/05/24/asia/north-korea-nuclear-test-site-intl/index.html>
- South China Morning Post. 2017. " China stops all exports of oil products to North Korea in November", **South China Morning Post**, 26 December 2017, available at: <http://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/2125712/china-stops-all-exports-oil-products-north-korea>
- Summary of the 2018 National Defense Strategy of the United States of America. 2018. **Department of Defense United States of America**. Available at: <https://www.defense.gov/Portals/1/.../2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>
- Swaine, Michael D. 2017. "Chinese Views on the Trump Administration's Asia Policy ", **China Leadership Monitor**, No. 53, pp.1-14. Available at: <https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/clm53ms.pdf>
- Trump, Donald. 2017. "Donald J. Trump on Twitter: "...they do Nothing for us with North", **Twitter**, 29 July 2017, available at:

- <https://twitter.com/realdonaldtrump/status/891442016294494209?lang=en>
- Trump, Donald. 2018. "Remarks by President Trump on the Joint Comprehensive Plan of Action", **The White House**, 8 May 2018, available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-joint-comprehensive-plan-action/>
- Vyas, Utpal, Ching-Chang Chen, and Denny Roy. 2015. **The North Korea Crisis and Regional Responses**, US: Publications Office of East-West Center.
- Warden, John K. 2017. "North Korea Nuclear Posture: An Evolving Challenge for U.S Deterrence", **IFRI Security Study Center**, 27 March 2017, Available at: <https://www.ifri.org/en/...de.../north-koreas-nuclear-posture-evolving-challenge-us>
- Wenzong, Zhang. 2017. "Major things to watch for during Tillerson's trip to East Asia", **Global Times**, 10 March 2017, Available at: <http://opinion.huanqiu.com/1152/2017-03/10284471.html>
- Wit, J.S and Ahn, S.Y. 2015. "North Korea's Nuclear Future: Technology and strategy ", **North Korea's Nuclear Futures Series**, Available at: <http://38north.org/wpcontent/uploads/2015/02/NKNF-NK-Nuclear-Futures>.
- Yamaguchi, Ryo Hinata. 2018. "5 Things to Watch for in North Korea's Peace Negotiations", **The National Interest**, 1 May 2018, Available at: <http://nationalinterest.org/feature/5-things-watch-north-koreas-peace-negotiations-25648?page=2>
- Zoubir, Yahia H. 2006. "The United States and Libya: From Confrontation to Normalization". **The Middle East Policy Council**, Volume XIII, No.2, Available at: <https://www.mepc.org/journal/united-states-and-libya-confrontation-normalization>